

میرداوودخان و قدیمی‌ترین کتاب فارسی زبان چاپ پاریس

آندرانیک هویان

یکی از کهن‌ترین خاندانهای ایرانی ارمنی که سابقه‌ای پانصد ساله دارند، خاندان شاه نظریان شاپورزاده است. این خاندان در آغاز ملکهای سرزمینی بودند که بین ساحل شرقی دریایچه گوگچه (سوان) و شهر گنجه قره باغ واقع شده و مقر حکومت مزرع نام داشت.

شاه عباس پس از جلوس بر اریکه سلطنت و سامان بخشیدن به اوضاع ایران زمین درصدد برآمد بخش غربی ایران و قفقاز را که عثمانیها در دوره ضعف دولت صفوی متصرف شده بودند، باز پس گیرد. شاه عباس به سوی آذربایجان حرکت کرد و غرب ایران زمین را از چنگ عثمانیها خارج ساخته، سپس متوجه قفقاز گردید. یکی از سرداران شاه عباس ملک شاه نظریان فرزند ملک بیگ شاه نظریان بود. او با صد سوار پانصد نفر از سپاهیان عثمانی را اسیر کرد و همراه با غنائم بسیار خدمت شاه عباس برد. شاه از رشادت و جنگاوری ملک شاه نظریان بسیار خوشنود شد و در فتح نامه آذربایجان از او به نیکی یاد کرد.

شاه عباس پس از منهدم ساختن سپاهیان عثمانی به مزرع ملک شاه نظریان رفت. در روزگار فتحعلی شاه، میرداود رضا درودیان از خاندان ملک شاه نظریان که به زبانهای فارسی، عربی و ارمنی تسلط کامل داشت، برای آموختن زبان فرانسه، به پاریس رفت و در کالج امپراتوری پاریس به فراگرفتن زبان فرانسه پرداخت. در آن زمان ناپلئون بناپارت که می‌خواست سفیری به ایران به فرستد، از مدرس کالج امپراتوری در پاریس خواست تا فردی را که زبان فارسی میداند و از اوضاع و احوال ایران زمین آگاهی کامل دارد به او معرفی کند تا او را به عنوان سفیر دولت فرانسه در تهران باب دوستی را با ایران بگشاید؛ مدرس مزبور، میر داودشاه نظریان را به ناپلئون معرفی کرد.

میرداود او را به عنوان سفیر برگزید و نامه‌ای به ناپلئون داد تا به فتحعلی شاه تسلیم کند. میرداود از

طریق بغداد به تهران آمد. در دربار قاجار به میرداود گفته شد: کسی را ندارند که زبان فرانسه بدانند. از این رو با اهدای لقب خانی و یک قطعه نشان تاج و شیر و خورشید با حمایل، میرداود را بیپاسخ به فرانسه بازگرداندند. پس از مدتی میرداود به ایران بازگشت و به خدمت دولت ایران درآمد. در سال ۱۸۱۶م. / ۱۲۳۱ هـ.ق. میر داود به عنوان سفیر به پاریس فرستاده شد. در فرانسه لویی هجدهم که پادشاه فرانسه شده بود، به نامه فتحعلی شاه توجهی نکرد.

میرزا داودخان در پاریس کتاب کوچکی به سه زبان فارسی، فرانسه و ارمنی منتشر کرد، بر روی جلد کتاب مزبور به فارسی چنین نوشته شده است:

در بیان احوال و نظام و گزارشات عدالت آیات این ایام در ممالک محروسه ایران

در وسط صفحه نقش سپری است که در قسمت فوقانی آن کلاه خودی قرار دارد دو طرف سپر را دوازده پرچم احاطه کرده و دو لوله توپ به صورت ضربدر در پشت سپر نقاشی شده است. در زیر این نقش در سه سطر نوشته شده است با

فی پاریس من المطبعة السلطانية المعموره سنه ۱۲۳۱ من الهجرة

صفحه اول کتاب سفید است و متن کتاب از صفحه دوم آغاز می‌شود، برای آگاهی از نثر و مطالب کتاب، مقداری از متن آغاز آن ذکر میشود:

«از تلسون زمان و تقلب دوران در امور دولت ایران انواع تبدیلات و تشویشات اتفاق افتاد. ولی در هیچ هنگامی ملکرانی که فی الحال زیر سلطنت آل قاجار بنا بر عدالت گستری در رعیت پروری استقرار پذیرفت هرگز بر آفاق ایران نورافشانی ننمود. خاندان قاجار که از نسل بنی چنگیز گویند از مدت مدید بر سر حدود شمال ایران تمکین و تملیک گرفتند بعد قضای نادرشاه مشهور در فرنگستان به نام طهماسب قلی خان اعتبار و اقتدار آن خاندان روز بروز زیادتر گشته در میان طوائف نامدار آن دیار به اوج بلندی و بالا دستی رسید.

در سنه ۱۱۹۸ مطابق سال ۱۷۸۴ عیسوی آقا محمدشاه قاجار همه خصمان و مقابلان خود را یکایک استعلا ساخته و از دست ایشان ملکداری ولایات برداشته سکن ایران به او اطاعت نمودند و سلطنت او ده سال امتداد یافت و بعد برضای اقوام ایران برادرزاده او سلطان صاحب قران فتحعلی شاه بر سریر موروث جلوس شریف فرمود:»

مطالب آغازین کتاب درباره به سلطنت رسیدن آقامحمدخان قاجار در سال ۱۱۹۸ هـ.ق و جلوس سلطان صاحب قران فتحعلی شاه بر سریر سلطنت و سر و سامان دادن به مملکت ایران و سرکوبی گردنکشان است سپس گزارش وقایعی می‌آید که در سال ۱۲۳۰ هـ.ق برای ارمنیان تهران اتفاق افتاد.

مطالب کتاب با این جملات پایان مییابد

مرقوم شد در دارالسلطنه پاریس

در شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۱

صاحب نشان شیر و خورشید ایران

ملک شاه نظرزاده میرداود ضادوریان

عباس میرزا در هفتم جمادی الاول ۱۲۳۹ هـ ق فرمانی برای میرداودخان صادر کرد و طی آن اداره

سرزمینهای موروثی را به او سپرد.

عباس میرزا در ۲۵ ژوئن ۱۸۲۶ به سپاهیان روسیه تزاری حمله برد و در سه هفته موفق شد کلیه نقاطی

را که به موجب عهدنامه گلستان به روسها سپرده شده بود باز پس گیرد در (ماه) اوت ۱۸۲۶ فتحعلی شاه،

میرداودخان را به عنوان سفیر فوق العاده ایران برای گفتگو به سن پترزبورگ فرستاد. ولی ژنرال یرمولوف

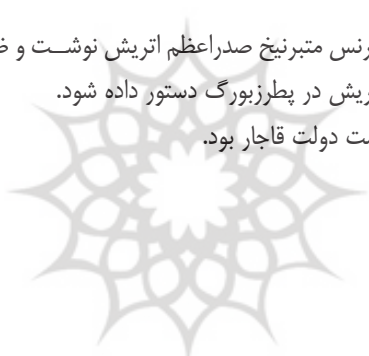
به میرداودخان اجازه عبور از قفقاز را نداد و او ناگزیر به استانبول رفت. در این شهر خواست نامه‌ای به گراف

روسیه داده شود که اجازه ندادند.

میرداود در استانبول نامه‌ای به پرنس متربنیخ صدراعظم اتریش نوشت و ضمن تشریح سابقه اختلاف

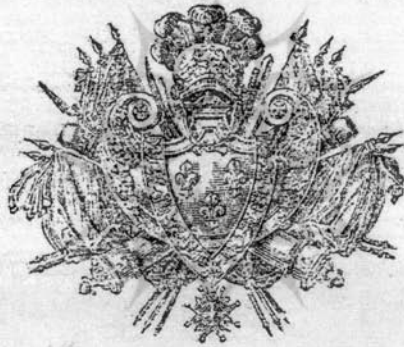
ایران و روسیه تقاضا کرد به سفیر اتریش در پترزبورگ دستور داده شود.

میرداود خان تا پایان عمر در خدمت دولت قاجار بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در بیان
احوال و نظام و کذاشات عدالت آیات این ایام
در ممالک محروسه ایران ۱۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
فی پاریس
من المطبعة السلطانية المعمورة
سنة ۱۲۳۱ من الهجرة ۱۵

روی جلد کتاب نوشته ملک شاه نظر زاده میرداود ضادوریان

در بیان

احوال و نظام و کذاشات عدالت آیات این ایام در ممالک محروسه ایران

~~~~~

از تلبون زمان و تغلب دوران در امور دولت ایران انواع تبدیلات و تشویشات انتساق افتاد و بی در هیچ عنکاهی ملکرانی که نفی الخال زیر سلطنت آل قاجار بنا بر عدالت گستری و رعیت پروری استقرار پذیرفت هرگز بر آفتاب ایران نورافشانی نمودند و خاندان قاجار که از نسل بنی جنکبیز گویند از مدت مدیده بر سرحدود شمالی ایران تمکین و تبلیغ کردند و بعد قضای نادر شاه مشهور در فرنگستان بنام مطهسب قلی خان اعتبار و اقتدار آن خاندان روز بروز زیاد گشته در میان طوائف نامدار آن دیار باوج بلندی و مالادستی رسیدند.

در سنه ۱۱۹۸ مطابق سال ۱۷۸۴ عیسوی آقا محمد شاه قاجار همه حصمان و مقابلان خود را یکایک استعمال ساخته و از دست ایشان ملکه‌اری و لایات برداشته گمان ایران با اطاعت نمودند و سلطنت او ده سال امتداد یافت و بعد برضای اقوام ایران برادرزاده او سلطان صاحب قران فاعلی شاه بر سرین موروث جلوس شریف فرمودند.

در کلی امور و مصالح بی قاجار عدل و مرحمترا اجماع اساس دولت ساخته از این رهگذر قلوب اعالی ایران عموماً بدست آوردند و قبل از این در احزای شرع و عرف قضات و حکام بلدان و نواحی برزای و اختیار خود حکم فرمودندی و خلق اشرا عر نوع ظلم و افترا رسانیدند.

صفحه اول کتاب ملک شاه نظر زاده میردادو ضادوریان

ՏԵՂԵԿՈՒԹԻՒՆԻ

Դ ԿԵՐԱՅ ԱՅՁԻՄԵԱՆ ԿԱՅՈՒԹԵԱՆ

ԹԱԳԱՆՈՐՈՒԹԵԱՆ ՊԵՐՄԻՅ:



Դ ՓԵՐԷՅ

Դ ԹԱԳԱՆՈՐԵԿԵԱՆ ՏՊԵՐԵԱՆԻ

1816 :

نسخه کتاب نوشته ملک شاه نظر زاده میردادود ضادوریان به زبان ارمنی

پیام بهارستان / س. ۲۵، ش. ۲ / پائیز ۱۳۸۸

دل مردم را خراشیدندی که در این وقت هر دعوا و نزاع را با جدت و جهد تمام و اکثر اوقات در حضور شاعران و قصص و اقطاع میکنند که سابقاً قضات جز و سومی که فریقین میدادند اصلاً موجب نداشتند که الحال شاه برای ایشان غلوفه سالیانه معین نموده تنبیه و تأکید بلیغ فرمود تا بهیچ وجه رشوت و الا تحفه جزوی از خلق نگیرند که در ایام پیشین فوج متعدد اعلی و منوطیان ایران بعلت حور و تعدی و بسبب کثرت ساح و خراج اموال و املاک و صنایع ممالک اجنبیه برده از حال و ترک وطن کردند که در ایام شاهنشاه فرخنده فرآن مهاجران و اولاد ایشان و هم اعلی غربت از دور و نزدیک بهمکن ایران میآیند زیرا که در هر جا برای امور تجارت و سایر صنایع سرزستی کلی و حمایت خاصی پادشاهی حاضر و موجود است که قبل بر این ایرانیان هر کسی که مذهب دیگر داشت او را اکراه و اجتناب میکردند که اکثرین هر ملتی با طوار و صنوف عبادت خود مشغول گشته مساویاً زیر سایه خاقانی معنی در شریعت یکی از دیگری فرق نمی بینند که مقدمتاً در اکثر ایالات ایران دزدان و سارقان بر سر راه نرسیده کاروان و سیاحان میزدند و در تأدیب و تعدیم ایشان حکام تکامل می کردند که اقامت روز امنیت و اطمینان در عزم ممالک محروسه سلطانی خواه در بلدان خواه بر عرض جرات بدرجه کمال رسید که در باب ترتیب اساس حرب و تطم عساکر اطوار قدیمه بنظام جدید یعنی بقواعد فرنگستان مبدل گردیده و قوانین مذکوره بیوماً بیوماً بر خوی خلق تأثیر نموده سبب نزیدت راحت و اعتماد گشت که و چون حضرت پادشاه جهاد باخترادگان و بیگلربیگان و امرا و رؤسا مأموریتی و حکومتی عنایت فرماید از ایشان عت و عهدنامه میگیرد که حسب الموعود اطاعت بجای آورده امور و مصالح را بی تعصب اجرا کرده مناسد و مجارم را تعدیب نمایند که و حکام مشار البیم از ضابطان و کتفدایان و سایر عمال که در حفظ حکومت میدارند عت و تعهدات

این معنی می طلبند که فسق و افترا بخود محسوم و منع جور و جفا در عهدۀ خویش ملزوم دانسته متکفل عمال و زیودستان شوند و اگر خلاف مرایم ذمت بکنند مستوجب سیاست گردند ۵

اکثر شهشاه معظم عنان دولت و قواعد عدالت بدین گونه مضبوط نگاه دارد از طوف دیگرو ثواب والا شاهزاده عباس میرزا که ولی عهد و نایب السلطنه نامزد است در ولایات آذربایجان که حکومت آن حدود بدست آن والا با اختیار کئی داده اند مجموع امور شروع و عرفرا موافق قانون و خاطرخواهی والده ماجده بعمل آورده روز بروز در تدبیر مصالح و ادراک علوم و فنون ترقی میدبرد ۵

الحال انظام و قوانین سلطنت ایران بر این قرار است که رعایا و مالکان اموال و اهالی مذاهب متفرقه در ظل حمایت خسروی سربست و آسوده کشته مرحمت پادشاهی در آفاق مشهور و مذکور افتاد و اقوام آن اطراف بجهت دادآوری آن شهریار بیس از بیس مسرور و ممتون میباشند و چون تصدیق این معانی لازم افتاد بیک دولت نقل که در این ایام وقوع یافت مرقوم بکلی بیان خواهد شد ۵

در سنه ۱۲۲۹ هجری مطابق سال ۱۸۴۳ عیسوی خراسانیان بغرض استقلال عای شدند این خبر بسمع شاه محمود سلطان افغانه رسید خواست تا آن طغیانرا امداد دهد که آتش فتنه در آن ولا خاموش نشود و اولاد خود شاهزاده کامران با قشون لازمه بصوب خراسان فرستاد خبر آن واقعه برکاب همایون آمد و معروض امنای دولت گشته شاه فرمود تا عسکو جمع کنند و استعین خان طلایرا سردار معین نموده بدفع طاغیان روانه کردند چند روز گذشت که غفله بدار السلطنه طهران خبر رسید که حاکم مازندران سلیمان خان قاجار باقی شد اتفاق بخراسانیان کرده بود شاه عساکر رکابی آراسته باستقبال ذمتن بالذاه عزیمت فرمود و بعد از متانله و محاربه چند در عرجا مظفر شد ولایات خراسان و عرارت تا بنزدیک



فده‌هزار ضبط کرده اعالی آن دیار باطاعت آورد سلیمان خان و خوانین خراسان و سائر طایعیان بکیو آمد دست بسته و پای در زنجیر بمحضر پادشاهی احضار کردند شاه فرمود که در مواجهه رجال دولت شریعت آنها قطع داشته باشند و چون قصد نمود که اولاد بران سلیمان خان موافق قانون طی کنند پیوسید که بجه سیاستی مستحق است ریشمفیدان در جواب گفتند که مستوجب قتل است و با وجود این حکم از راه مرورت بر او شهتاشغرا رحمت آمد و از سرخون او گذشته فرمود که برای خبرت عالم بی چشم باشد و باقی طایعیانرا بختیشک و مرخص کرده باز بخدمت سلطانی قبول نمود و

در سنه ۱۲۳۰ مطابق سال ۱۸۱۵ در نواحی دار الخلافه طهران از عدم باران خشکی عظیم اتفاق افتاد و شیخ الاسلام آن پایتخت اکرحه نزد پادشاه و امنای دولت اعتبار و احترامش بسیار بود لکن از خاطر خواهی خسروی غافل وی خبر که جمله ساکنان ممالک محروسه مساویا در ظل مرحمت شهرباری محمی باشند شیخ مشارالیه خود بخود تدبیری اندیشیده که مقبول خدای تعالی و پسند طبع همایون آید و در خانه خود دو بست نفر از خلق فقیر جمع آورده ایشانرا وعظ کرد و گفت که یا مسلمان شبهه نیست که قطع باران و خشکی زمین غضب خداست و سبب چنین بلا سوی در شرب شراب و در شیره خانهای آرامنه مجویند باید این خرابانرا خراب کنیم تا قهر الهی ساکت و خاموش شود پس بروم و خانهای ناپاک بکس سازم و با ختجای فتنه انگیز دستم مردم ناعثبار و زودرخ بتدریک و محریق آمد با قبیل و قال محوم بحاله آرامنه بردند و بحکم شیخ مومی الیه یک کلیسا و شیره خانه چند خراب کردند و سرقا خبر این شورش بمع پادشاه رسید غیظ کرد و فرمود تا شیخ الاسلام و سائر مشدرا کوفته بمحضر بیاورند و چون شنیدند که شاه از قتل ایشان در غضب شده بود فرار کردند و در اطراف شهر مخفی شدند و شیخ الاسلام بقصد رعائی خان بیامع شاه عبدالعظیم کریمت و امین نشست و آن جامع

پناهگاهی است که از پایتخت يك فرسنگ و نیم دور میباشد و ما دام که در آنجا مجرمان و هم قتال می مانند کسی بر ایشان دست نمی تواند زد بعد از جست و جوی بسیار دوازده نفر گرفتند و بحضور آوردند و پادشاه به ختم فرمود که یا مفسد آن محکم که و بکدام شریعت شمارا جرات و جسارت آمد که چنین غلط کردید و مکر شیخ الاسلام شاه شما و مالک ممالک ایران است که باو اطاعت نمودید چون خلاف قاعده دولت و عکس رای مبارک پادشاهی بخود مأذون و جائز داشته اید سیاست موافق همان قواعد برای شما معول خواهد شد بیرون بروید و حکم فرمود تا مقتضای قانون بی تعویق سزا رسانند و مبلغ ۱۰۰۰ تومان بجهت تعیین بازمانده ادا کنند و بعد رؤسای و معتبران نصارا بحضور طلبیده و خاطر جمعی داده گفت مطلب شاه این است که اقوام متساکن ممالک سلطانی هر کدام مذعب دارند با کمال فراغی و آسودگی زیر سایه خسروی زندگی کنند باید شریعت شیخ الاسلام را منظور نظر خاقانی و ملزوم همت ما دانسته طایفه آرامند بخوشحالی و بدعا کوئی پادشاهی مشغول باشند پس از اظهار این مراتب مرحمت شاه فرمود که نیز مبلغ ۳۰۰۰ تومان از خزینه خاص شهر یاری بر رؤساء مذکوره تسلیم کنند تا مناسباً میان ستم دیدگان تقسیم نمایند و ایضاً قرار داد کرد که کلیه ما را تعبیر و انبیا و اسباب را تجدید یا ترمیم کرده مجموع این اخراجات محسوب دفاتر خزینه عامه داشته باشند و

مرقوم شد در دار السلطنه پاریس

در شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۱

۱۲۳۱

۴۶

صاحب نشان شیر و خورشید ایران

ملک شاه نظر زاده میر داود صادوریان